

# کتاب دانیال - شماره هشتاد و هشت

افشای باران پسین دروغین: سیر پیش‌گویانه از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

Jeff Pippenger

2024-02-21

فرایند آزمونی که با فرود آمدن فرشته آغاز می‌شود، با آزمون این که آیا باید کتاب را از دست فرشته گرفت و آن را خورد، نمایانده می‌شود. کسانی که خوردن آن پیام را برگزیدند، آنگاه به ناامیدی دچار شدند، در حالی که گروهی که از خوردن امتناع کردند، بر جا ماندند. کتابچه‌ای که باید خورده می‌شد نمایانگر یک «افزایش معرفت» نسبت به پیامی بود که نخست در «زمان پایان» - در ۱۷۹۸ یا ۱۹۸۹ - مهرش گشوده شده بود و سپس بعدتر به پیامی صورت‌بندی شد که نسل زنده آن زمان را در برابر نور معرفت افزوده پاسخگو می‌داشت. در هر دو تاریخ، به محض این که نبوت اسلام تحقق یافت، پیامی که در دست فرشته برای خوردن بود یا پذیرفته شد یا رد گردید. اگر پیامی که آن کتاب نمایندگی می‌کند رد شود، کسانی که چنین می‌کنند و همچنان می‌کوشند ادعای این که هنوز برگزیدگان خدا هستند را حفظ کنند، ناگزیر می‌شوند یک پیام جعلی باران آخر تولید کنند.

در یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، سرکشی‌های گذشته نسل‌های ادونتیسیم بار دیگر به مسائل امتحانی تبدیل شدند. باب دوم حقیق به مناقشه‌ای اشاره می‌کند که در تاریخ نبوی مندرج در آن رخ می‌دهد، که خطی نبوی موازی با مثل ده باکره است. وقتی دیدبان در تاریخ مثل ده باکره پرسید که چه پاسخی باید بدهد، به او فرمان داده شد: «رؤیا را بنویس و آن را بر لوح‌ها آشکار ساز.» دیدبانان تاریخ میلی‌ها در سال ۱۸۴۲ نمودار ۱۸۴۳ را تهیه کردند و تهیه آن به نشان راهی بدل شد. آن «رؤیای» باب دوم حقیق بود که بر لوح‌ها آشکار شده بود و بنا بود در پایان سخن بگوید.

اندکی پس از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، کسانی که فعالیت اسلام مربوط به وای سوم را شناختند، هدایت شدند تا به «راه‌های کهن» ارمیا بازگردند و در آنها سلوک کنند. این «راه‌های کهن» نشان می‌داد که سه وای مکاشفه، باب هشتم، آیه سیزدهم، بیانگر نقش نبوی اسلام‌اند. بلافاصله پس از آن، فیوچر فور آمریکا در همان نقطه از تاریخ موازی پیروان میلر، بازتولید دو لوح باب دوم حقیق را آغاز کرد. آن دو لوح به‌عنوان نشانه راه قرار داده شدند؛ نشانه‌ای که پیش‌تر در سال ۱۸۴۲ با تهیه لوح ۱۸۴۳ نمایان شده بود.

در ماه مه ۱۸۴۲، کنفرانس عمومی‌ای در بوستون، [ماساچوست] تشکیل شد. در آغاز این گردهمایی، برادران چارلز فیچ و آپولوس هیل از هاورهیل، نبوت‌های تصویری دانیال و یوحنا را، که آن‌ها بر پارچه نقاشی کرده بودند، به همراه اعداد نبوی که تحقق آن‌ها را نشان می‌داد، ارائه کردند. برادر فیچ در حالی که از روی نمودار خود در برابر کنفرانس توضیح می‌داد، گفت که هنگام بررسی این نبوت‌ها به فکرش رسیده بود اگر بتواند چیزی از این دست، همان‌گونه که اینجا ارائه شده، فراهم کند، موضوع ساده‌تر می‌شود و ارائه آن نزد مخاطبان برای او آسان‌تر خواهد شد. این، نور بیشتری بر راه ما می‌افزود. این برادران همان کاری را انجام می‌دادند که خداوند ۲،۴۶۸ سال پیش در رؤیایی به حقیق نشان داده بود و فرموده بود: «رؤیا را بنویس و آن را بر الواح به‌روشنی بیان کن تا خواننده آن بدود؛ زیرا رؤیا هنوز برای زمانی معین است.» حقیق ۲:۲.

پس از اندکی بحث درباره این موضوع، به اتفاق آرا تصویب شد که سیصد نمونه مشابه این با چاپ سنگی تهیه شود و این کار به‌زودی انجام گرفت. آن‌ها را «نمودارهای ۴۳» می‌نامیدند. این یک کنفرانس بسیار مهم بود. خودزندگی‌نامه جوزف بیتس، صفحه ۲۶۳.

«هنگامی که واعظان و نشریات ظهور ثانی بر «ایمان نخستین» استوار بودند، شهادت متحد ایشان این بود که انتشار لوح، تحقق حقوق ۲:۳، ۳ بوده است. اگر لوح موضوع نبوت بوده باشد (و آنان که آن را انکار می‌کنند، ایمان نخستین را ترک می‌گویند)، پس نتیجه می‌شود که ۴۵۷ ق.م. سالی بوده است که باید ۲۳۰۰ روز از آن تاریخ‌گذاری می‌شد. لازم بود که ۱۸۴۳ نخستین زمان منتشرشده باشد تا «رؤیا» «درنگ کند»، یا آنکه زمانی برای درنگ پدید آید، که در آن گروه باکرگان می‌بایست بر موضوع عظیم زمان به خواب سبک و خواب عمیق فرو روند، درست پیش از آنکه به وسیله ندای نیمه‌شب بیدار شوند.» James White, Second Advent Review and Sabbath Herald, Volume 1, Number 2

«اکنون تاریخ ما نشان می‌دهد که صدها نفر، همچون ویلیام میلر، بر اساس همان نمودارهای زمانی تدریس می‌کردند؛ همه از یک قماش. سپس یگانگی پیام بود؛ همه بر یک موضوع آمدن خداوند عیسی در زمانی معین، ۱۸۴۴.» جوزف بیتس، Early SDA Pamphlets, IV

بازچاپ نمودارهای ۱۸۴۳ و ۱۸۵۰ در مقطع تاریخی بلافاصله پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، به همان اندازه تحقق باب دوم حقوق بود که انتشار نمودار ۱۸۴۳ در سال ۱۸۴۲. تولید لوح‌ها بخشی از روایت باب دوم حقوق است و باید رخ می‌داد. در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، شورش ۱۸۶۳ بار دیگر توسط آن ادونتیست‌های لاودکیه‌ای که از بازگشت به «راه‌های کهن» ارمیا سر باز زدند، تکرار شد.

دشمن در پی آن است که ذهن‌های برادران و خواهران ما را از کار آماده‌ساختن قومی که در این روزهای آخر بایستند، منحرف کند. سفسطه‌های او چنان طرح شده‌اند که اذهان را از خطرات و وظایف این زمان دور سازند. آنان نوری را که مسیح از آسمان آمد تا برای قوم خویش به یوحنا عطا کند، ناچیز می‌انگارند. تعلیم می‌دهند که رویدادهای پیش روی ما آن قدر اهمیت ندارد که شایسته توجه ویژه باشد. حقیقت با منشأ آسمانی را بی‌اثر می‌کنند و قوم خدا را از تجربه گذشته‌شان محروم می‌سازند و به‌جای آن، علمی کاذب به آنان می‌دهند. «خداوند چنین می‌فرماید: در راه‌ها بایستید و بنگرید و برای راه‌های کهن بپرسید که راه نیکو کدام است، و در آن راه گام بردارید.» [ارمیا ۶:۱۶]

«کسی در پی برکندن بنیادهای ایمان ما نباشد — همان بنیادهایی که در آغاز کار ما، با مطالعه همراه با دعا در کلام و به‌وسیله وحی نهاده شدند. بر این بنیادها بیش از پنجاه سال است که بنا کرده‌ایم. ممکن است مردمان گمان کنند که راهی تازه یافته‌اند، که می‌توانند بنیادی استوارتر از آنچه نهاده شده است بگذارند؛ اما این فریبی بزرگ است. «هیچ‌کس نمی‌تواند بنیادی جز آنچه نهاده شده است، بگذارد.» [اول قرن‌تین ۱:۳] در گذشته، بسیاری بر آن شدند که ایمانی نو بنا کنند، اصولی تازه برقرار سازند؛ اما ساختمانشان تا چه مدت پابرجا ماند؟ دیری نپایید که فرو ریخت؛ زیرا بر صخره استوار نشده بود.» شهادت‌ها، جلد ۸، صفحات ۲۹۶ و ۲۹۷.

ارمیا تصریح می‌کند که راه رفتن در «راه‌های کهن» یعنی یافتن «آرامش»، و آن «آرامش» همان «باران پسین» است، که آغاز شد زمانی که ملت‌ها در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به خشم آمدند، وقتی ساختمان‌های عظیم شهر نیویورک فروریختند. آنان که سپس آن پیام را خوردند، به دیده‌بانان حقوق تبدیل شدند که می‌بایست «رویا را بنویسند و آن را روشن سازند». ارمیا همان دیده‌بانان را در زمان «آرامش»، که همان «باران پسین» است، شناسایی می‌کند.

خداوند چنین می‌فرماید: در راه‌ها بایستید و بنگرید، و راه‌های دیرین را بجوید که راه نیکو کدام است، و در آن گام بردارید تا برای جان‌های شما آرامی بیابید. اما گفتند: در آن راه نخواهیم رفت. همچنین بر شما نگهبانانی گماشتم و گفتم: به آواز شیپور گوش فرا دهید. اما گفتند: گوش فرا نخواهیم داد. ارمیا ۶:۱۶، ۱۷.

شیپوری که بنا بود به صدا درآوردند، ششمین شیپور وای دوم در تاریخ میلریتی است و در روزهای آخر، هفتمین شیپور وای سوم است. دیده بانان حقوق، که همان دیده بانان ارمیا هستند، پیام هشدار را اعلام می‌کنند که در سرکشی 1888 رد شد. ششمین شیپوری که در 1888 رد شد، پیام خطاب به لاودیکه بود.

«پیامی که از سوی ای. تی. جونز و ای. جی. واگنر به ما داده شد، پیام خدا برای کلیسای لاودیکه است، و وای بر هر کس که مدعی ایمان به حقیقت است و با این حال پرتوهای عطاشده از جانب خدا را به دیگران بازتاب نمی‌دهد.» اسناد ۱۸۸۸، ۱۰۵۳.

پیام کرنای هفتم ۱۸۸۸، نخست در سال ۱۸۵۶ برای لاودیکه به صدا درآمد، و سپس پیام لاودیکه در چارچوب نور فزاینده «هفت زمان» قرار داده شد. در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، دعوت به بازگشت به راه‌های کهن ارمیا و سلوک در آن‌ها به منظور دریافت پیام باران پسون، شامل پیام هشدار کرنای هفتم که به‌عنوان پیام به لاودیکه بازنمایی شده است، و نیز «هفت زمان» که نماد بنیان‌هاست، بود.

«دروغ»ی که در نبوت شناسایی شده و «فریب نیرومند» مورد اشاره در نوشته‌های پولس را پدید می‌آورد، در سال ۱۹۳۱، شانزده سال پس از مرگ پیامبر زن، وارد نسل سوم ادونتیسیم لاودیکه‌ای شد. آن «دروغ» که در نسل سوم فرا رسید، از نظر نبوی در دوره‌ای قرار می‌گیرد که با عنوان «زنانی که برای تموز می‌گریند» بازنمایی شده است؛ و بنابراین با پیام دروغین باران پسون مرتبط است.

جزئیات چگونگی انتشار «دروغ» باید فهمیده شود، همان‌گونه که نقش نبوی «دروغ» در نبوت آخرالزمان نیز باید فهمیده شود. مردان استهزاگری که در زمان باران پسون (که زمان مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار نفر است) بر اورشلیم حکمرانی می‌کنند، در نسل سوم ادونتیسیم، پیام دروغین باران پسون را پدید آوردند؛ چنان‌که در فصل هشتم حزقیال با «زنانی که برای تموز می‌گریند» نمایانده شده است. پیام دروغین باران پسون ایشان همچنین به‌دست حزقیال به‌عنوان بنیادی دروغین، دیواری دروغین برای حفاظت، و پیامی دروغین از صلح و امنیت به تصویر کشیده شده است.

آیا رؤیایی باطل ندیده‌اید و آیا غیب‌گویی دروغ نگفته‌اید، حال آنکه می‌گویید: خداوند چنین می‌گوید؛ با اینکه من سخن نگفته‌ام؟ پس خداوند خدا چنین می‌فرماید: چون باطل گفته‌اید و رؤیاهای دروغین دیده‌اید، بنابراین، اینک من بر ضد شما هستم، می‌گویم خداوند خدا. و دست من بر پیامبرانی خواهد بود که رؤیاهای باطل می‌بینند و دروغ را غیب‌گویی می‌کنند؛ آنان در جماعت قوم من نخواهند بود، و نامشان در دفتر خاندان اسرائیل نوشته نخواهد شد، و به سرزمین اسرائیل داخل نخواهند شد؛ و خواهید دانست که من خداوند خدا هستم. زیرا، به راستی که قوم مرا فریفته‌اند، می‌گویند: صلح! و حال آنکه صلحی نیست؛ و یکی دیواری بنا کرد و اینک دیگران آن را با ملات نارس اندودند. به آنان که آن را با ملات نارس اندود می‌کنند بگو که فرو خواهد افتاد: بارانی سیل‌آسا خواهد بود؛ و ای تگرگ‌های بزرگ، فرو خواهید ریخت؛ و باد توفانی آن را خواهد درید. هان، چون دیوار فرو افتد، آیا به شما گفته نخواهد شد: آن اندودی که با آن اندودیدش کجاست؟ پس خداوند خدا چنین می‌فرماید: من در خشم خود آن را با باد توفانی خواهم درید؛ و در خشم خود بارانی سیل‌آسا خواهد بود، و در خشم خود تگرگ‌های بزرگ برای نابود کردنش. پس دیواری را که شما با ملات نارس اندود کرده‌اید فرو خواهم شکست و آن را به زمین فرو خواهم انداخت تا بنیادش آشکار شود، و فرو خواهد افتاد، و شما در میان آن نابود خواهید شد؛ و خواهید دانست که من خداوندم. بدین‌سان خشم خود را بر آن دیوار و بر آنان که آن را با ملات نارس اندود کرده‌اند به انجام خواهم رسانید، و به شما خواهم گفت: دیگر نه آن دیوار است و نه آنان که آن را اندود کردند؛ یعنی پیامبران اسرائیل که درباره اورشلیم نبوت می‌کنند و برای او رؤیاهای صلح می‌بینند، حال آنکه صلحی نیست، می‌گوید خداوند خدا. حزقیال ۱۶-۱۳:۷

دروغ و ناراستی‌ای که در فصل‌های بیست‌وهشت و بیست‌ونه اشعیا، مردان استهزاگر اورشلیم خود را زیر پوشش آن پنهان می‌کنند، سرانجام به وسیله "تازیانه خروشان" داوری و نابود می‌شوند.

و داوری را نیز با ریسمان، و عدالت را با شاقول خواهم سنجید؛ و تگرگ پناهگاه دروغ را خواهد روبید، و آب‌ها مخفیگاه را فرا خواهد گرفت. و عهد شما با مرگ باطل خواهد شد، و موافقت شما با دوزخ برقرار نخواهد ماند؛ چون بلای طغیان‌گر بگذرد، آنگاه به وسیله آن پایمال خواهید شد. اشعیا ۱۷:۲۸، ۱۸.

«تازیانه طغیان‌کننده» ی اشعیا همان «رگبار طغیان‌کننده» ی حزقیال است که بر کسانی نازل می‌شود که با عرضه «رؤیایی باطل» و با ادعای «خداوند گفته است» - «در حالی که» خداوند «سخن نگفته بود» - «فال دروغ» زده‌اند. آن «دروغی» که پیران زیر آن پنهان می‌شوند، چنان بازنمایی شده که گویی چیزی است که ادعا می‌کنند خداوند گفته است؛ پس «دروغی» درباره کلام خداست. یا آموزه‌ای از کلام خدا را خطا شمرده‌اند، یا به اشتباه ادعا کرده‌اند که خدا در باره آموزه‌ای از کتاب مقدس فهم‌شان را هدایت کرده است (خدا سخن گفته بود).

«دروغی» که در سال ۱۹۳۱ مطرح شد، این ادعا بود که خواهر وایت دیدگاه نادرست «daily» daily در کتاب دانیال را تأیید کرده بود. دیدگاه نادرستی که «daily» daily را نمایانگر خدمت مسیح در مقدسگاه می‌دانست، بر پایه «دروغی» بنا شده بود که ادعا می‌کرد الن وایت در سال ۱۹۱۰ به ای. جی. دنیلز اطلاع داده بود که دیدگاه او و پرسکات درباره «daily» daily به‌عنوان نمایانگر خدمت مسیح در مقدسگاه، در واقع درست است، با وجود کلمات مکتوب صریح الن وایت که خلاف آن را بیان می‌کرد.

برداشت نادرست از «روزانه» که در آن زمان (۱۹۳۱) در میان ادونتیسیم لاودیکیه‌ای تثبیت شد، به پایه‌ای الهیاتی تبدیل شد که برای ساختن پیامی به کار رفت که حزقیال آن را «صلح و امنیت» توصیف می‌کند. استدلال‌های گوناگونی که برای پابرجا نگه داشتن آن پایه کاذب به کار می‌روند، همان سکه‌ها و جواهرات تقلبی گوناگونی هستند که میلر در خوابش دید. در پایان خوابش، جواهرات اصلی‌اش کاملاً با تقلبی‌ها و آشغال پوشانده می‌شوند، و آن آشغال‌ها و جواهرات و سکه‌های تقلبی نماینده پیامی هستند که بر خطای بنیادینشان بنا شده بود، مبنی بر اینکه «روزانه» خدمت مسیح در مقدسگاه را نمایندگی می‌کند.

در فرازی از حزقیال، زباله و جواهرات تقلبی به صورت «دیوار» ی تصویر شده است که با سیمانی ساخته شده که آن قدر سست است که در برابر فشار «بادِ توفانی» یا «باران سیل‌آسا» تاب نمی‌آورد.

آن نبی نافرمان از یهودا که یربعام را تویخ کرد، سرانجام میان یک «الغ» و یک «شیر» جان سپرد. شیر نماینده بابل است و الغ نماینده اسلام. دو آموزه‌ای که ادونتیسیم لاودیکیه‌ای قادر به دیدن‌شان نیست و مرگ آن نبی نافرمان نمادشان است، عبارت‌اند از پیام پاپی‌گری (شیر) و پیام اسلام در «وای سوم» (الغ).

«باد توفانی» حزقیال نمادی است از «باد سختی که بازداشته می‌شود» اشعیا در «روز باد شرقی» در باب بیست‌وهفتم. «باد توفانی» حزقیال همچنین همان «چهار باد» باب هفتم مکاشفه است که نگاه داشته می‌شوند تا بندگان خدا مهر شوند. «باد توفانی» حزقیال همان پیام او از «چهار باد» در باب سی‌وهفتم است که استخوان‌های خشک و مرده را زنده می‌کند تا چون لشکری نیرومند برخیزند. «باد توفانی» حزقیال که «دیوار ساخته شده با ملات سست» را فرو می‌ریزد، پیام باران پسین وای سوم است.

«رگبار سیل‌آسای» حزقیال نماد نظام پاپی است، و مشخص‌تر از آن، نماد دوره بحران «قانون یکشنبه» است که با قانون یکشنبه قریب‌الوقوع در ایالات متحده آغاز می‌شود. نبی نافرمان از یهودا که میان

الاغ و شیر جان داد، نمایانگر مرگ ادونتیسیم لائودکیه‌ای بود که میان 11 سپتامبر 2001، با رسیدن الاغ (وای سوم)، و قانون یکشنبه قریب‌الوقوع (شیر) رخ می‌دهد. مرگ ادونتیسیم لائودکیه‌ای در جریان مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار رخ می‌دهد؛ این روند هنگامی آغاز شد که امت‌ها خشمگین شدند، اما در 11 سپتامبر 2001 مهار گشتند، و در قانون یکشنبه قریب‌الوقوع به پایان می‌رسد. مرگ آنان، چنان‌که نبی نافرمان نشان می‌دهد، از آن رو فرا می‌رسد که به روش پروتستانیسم مرتد بازگشتند، هرچند مستقیماً به آنان گفته شده بود که هرگز به «مجمع استهزاکنندگان» بازنگردند.

مرگ آنان در تاریخ مهر شدن صد و چهل و چهار هزار نفر رخ می‌دهد. به محض اینکه قوم خدا مهر شوند، فرشتگان ویرانگر کار خود را آغاز می‌کنند. از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا قانون یکشنبه که به زودی خواهد آمد، داوری زندگان در کلیسای خدا به انجام می‌رسد، زیرا داوری از اورشلیم آغاز می‌شود و با مشایخی آغاز می‌گردد که می‌بایست نگهبانان قوم باشند، اما طی چهار نسل مسئولیت‌های خود را رها کرده بودند. آنان که در آن دوره مهر را دریافت می‌کنند، همان علمی هستند که برای ملت‌ها برافراشته می‌شود. آنان پیش از قانون یکشنبه که به زودی خواهد آمد مهر می‌شوند، زیرا تنها راهی که گله دیگر خدا بتواند هشدار را دریافت کند این است که در بحران قانون یکشنبه، مردان و زنانی را ببیند که مهر خدا را دارند.

کار روح‌القدس این است که جهان را از گناه، از عدالت و از داوری ملزم سازد. جهان تنها زمانی هشدار می‌گیرد که ببیند آنان که به حقیقت ایمان دارند، به وسیله حقیقت تقدیس شده‌اند، بر اصول بلند و مقدس عمل می‌کنند و به شیوه‌ای والا خط فاصل میان کسانی را که فرامین خدا را نگاه می‌دارند و کسانی را که آنها را زیر پا می‌گذارند، نشان می‌دهند. تقدیس روح تفاوت میان کسانی را که مهر خدا را دارند و آنان را که روز استراحت جعلی‌ای را نگاه می‌دارند، آشکار می‌سازد. وقتی آزمون فرا برسد، به روشنی معلوم خواهد شد که نشان وحش چیست. این همان نگاه داشتن یکشنبه است. آنان که پس از شنیدن حقیقت، همچنان این روز را مقدس می‌شمارند، مهر مرد گناه را بر خود دارند؛ همان که در اندیشه داشت زمان‌ها و قوانین را تغییر دهد. مدرسه آموزش کتاب مقدس، ۱ دسامبر ۱۹۰۳.

مرگ ادونتیسیم لائودیکی در طی تاریخ باران آخر تحقق می‌یابد؛ بارانی که از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به صورت بارش ریز آغاز شد و در هنگام قانون یکشنبه‌ای که به زودی فرا می‌رسد، به طور بی‌حد و حصر افاضه خواهد شد، زمانی که خدا قومی را که برای ابدیت مهر شده‌اند برپا کرده و سپس چون علمی برافراشته می‌کند.

در آن دوره زمانی، کسانی در ادونتیسیم لائودیکایی که خود را آماده می‌کنند و نشان وحش را خواهند پذیرفت، به وسیله بیست و پنج مردی نمایانده می‌شوند که در باب هشتم حزقیال در برابر خورشید سجده می‌کنند. آنان کسانی‌اند که پیام دروغین «صلح و امنیت» را که در حزقیال آمده پذیرفته‌اند؛ پیامی که بدل پیام حقیقی باران پسین است که در آن برهه تاریخی از سوی نگهبانان راستین اعلام می‌شود. بنیان آن پیام دروغین باران پسین، این ادعاست که «قربانی همیشگی» در کتاب دانیال نمادی از مسیح است، حال آنکه در واقع نمادی از شیطان است. آن باور بنیادین کاذب، همان تعلیمی است که «مردان استهزاگری که بر قوم اورشلیم حکومت می‌کنند» به کار می‌گیرند تا دیوار بی‌ملاط خود را برافرازند.

شناسایی «قربانی دائمی» به عنوان نمادی از مسیح، در سال ۱۹۳۱ با یک «دروغ» برقرار شد. از آن زمان به بعد، دیوار اندودنشده‌ای از سکه‌ها و جواهرات جعلی برافراشته شد. آن «دیوار» محکوم به فرو ریختن است، هنگامی که مرد جاروی خاک برسد تا خرمنگاه خود را به طور کامل پاکسازی کند. آن پالایش در دوره‌ای نبوی از تاریخ انجام می‌شود که میان «باد توفانی» (خر ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱) و «رگبارهای سیل‌آسا» (شیر قانون یکشنبه‌ای که به زودی فرا می‌رسد) قرار دارد. در آن برهه، پیامبر

نافرمان کشته می‌شود و در قبر پیامبر دروغین بیت‌ئیل به خاک سپرده می‌شود. خواهر وایت «دیوار» نبوت را شریعت خدا می‌داند.

پیامبر در اینجا مردمی را توصیف می‌کند که در زمانی که انحرافی عمومی از حقیقت و پارسایی رخ داده است، در پی احیای اصولی هستند که بنیاد پادشاهی خدا را تشکیل می‌دهند. آنان مرمت‌کنندگان شکافی هستند که در شریعت خدا پدید آمده است—آن دیواری که او برای حفاظت برگزیدگانش گرداگردشان نهاده است—و اطاعت از فرامین عدالت، حقیقت و پاکی آن باید حافظ دائمی ایشان باشد.

"پیامبر با واژگانی با معنایی بی‌ابهام کار مشخص قوم باقیمانده‌ای را که دیوار را بنا می‌کنند نشان می‌دهد. اگر پای خود را از سبت بازداری، از انجام دادن خوشی خویش در روز مقدس من؛ و سبت را مایه شادمانی، مقدس خداوند، گرامی بخوانی؛ و آن را حرمت گذاری، نه به راه‌های خود بروی، نه خوشی خود را بجویی، و نه سخنان خود را بگویی: آنگاه در خداوند شادی خواهی کرد؛ و تو را بر بلندی‌های زمین سوار خواهیم کرد، و با میراث یعقوب پدرت تو را خوراک خواهیم داد؛ زیرا دهان خداوند چنین گفته است. اشعیا ۵۸:۱۳، ۱۴. انبیا و پادشاهان، ۶۷۸.

آغاز نسل چهارم ادونتیسیم با انتشار یک کتاب رقم می‌خورد؛ همان‌گونه که آغاز نسل سوم نیز چنین بود. نسل سوم با انتشار کتاب W. W. Prescott با عنوان "Christ" Doctrine of Christ آغاز شد و آن نسل با انتشار "Doctrine of Christ" Doctrine پایان یافت. "Christ" Doctrine of Christ انجیلی را عرضه کرد که عمداً از پیام نبوی میلریتی تهی بود. "Doctrine of Christ" Doctrine انجیلی ارائه کرد که کار تقدیس را که به وسیله مسیح به انجام می‌رسد انکار می‌کرد. "Christ" Doctrine of Christ نور رؤیای (chazon) تاریخ نبوی را از میان برد، و "Doctrine of Christ" Doctrine (Mareh) "ظهور" مسیح را از میان برد.

در فاصله میان آن دو کتاب، پیام باران پسین دروغین که با «زنانی که برای تموز می‌گریستند» نشان داده می‌شود، توسعه یافت. در همان دوره بود که «دروغ ۱۹۳۱» ترویج شد. آن نسل سوم (رجس) همچنین با سازش کلیسای سوم، یعنی پرغامس، نمایانده می‌شود. نماد سازش در کلیسای سوم، نشان‌دهنده تلاش برای کسب اعتبار رسمی از مؤسسات دنیوی است که برای الهیات و پزشکی قواعدی را دیکته می‌کردند. در نسل سوم بود که سازش با حقیقت تحقق یافت؛ که شامل معرفی و تأکید بر استفاده از کتاب مقدس‌هایی می‌شد که از روی نسخه‌های خطی تحریف‌شده ترجمه شده بودند.

در سال ۱۹۵۷، کتاب «Doctrine of Christ» نشانگر عدول از حقیقت اساسی انجیل بود. آن حقیقت این است که عیسی برای نجات ما «از» گناه مرد، نه برای نجات ما «در» گناه. تعلیم کاتولیکی و پروتستان مرتد که می‌گوید انسان نمی‌تواند مطیع کلام خدا باشد، استدلال ابدی شیطان است. انسان می‌تواند و باید مطیع کلام خدا باشد، حتی اگر شیطان ادعا کند که «هرآینه نخواهید مرد». دیدگاه پروتستان سقوط‌کرده و مرتد که می‌گوید انسان‌ها نمی‌توانند بر گناه غلبه کنند و بنابراین تا وقتی که عیسی در بازگشت دوم خود به‌طور جادویی آنان را به ربات‌های مطیع تبدیل نکند، نمی‌توانند مطیع شریعت خدا باشند، در تعالیم کتاب «Doctrine of Christ» گنجانده شد.

در سال ۱۹۵۷، نسل چهارم ادونتیسیم لائودیکی آغاز شد و دیوار بی‌ملات آن (شریعت) بنا شده بود؛ و بدین‌سان منطقی فراهم آمد که به بیست‌وپنج مرد کهن‌سال اجازه خواهد داد در پایان زمان مهر شدن آن یکصد و چهل و چهار هزار نفر، در برابر خورشید سجده کنند. آن دیوار بی‌ملات، که همان باور به ناممکن بودن اطاعت از شریعت خداست، هنگامی که «دیوار» جدایی کلیسا و دولت برداشته شود—با قانون نزدیک‌الوقوع یکشنبه—برچیده خواهد شد. قانون یکشنبه همان باران‌های طغیان‌گر

است، یا چنان‌که اشعیا بیان می‌کند، تازیانه فراگیر؛ و آن سیلاب با قانون نزدیک‌الوقوع یکشنبه در ایالات متحده آغاز می‌شود.

در هنگام وضع قانون یکشنبه در ایالات متحده، دشمن (پاپ) "چون سیل" (تازیانه فراگیر) وارد می‌شود، و در همان هنگام "علم" بر ضد او برافراشته می‌شود. آن‌گاه "دیوار بی‌ملات"ی که ادونتیسیم لاودیکه‌ای بر به‌کارگیری نادرست "دائمی" بنا کرده بود، روبیده می‌شود.

برحسب اعمالشان، همان‌گونه بازپس خواهد داد: خشم به خصمانش، مکافات به دشمنانش؛ به جزایر نیز مکافات بازخواهد رسانید. پس از مغرب، نام خداوند را خواهند ترسید، و از طلوع آفتاب، جلال او را. وقتی دشمن چون سیلاب درآید، روح خداوند در برابر او علمی برخواهد افراشت. و فادی به صهیون خواهد آمد، و نزد آنان که در یعقوب از تعدی باز می‌گردند، خداوند می‌گوید. اما از جانب من، این است عهد من با ایشان، خداوند می‌گوید: روح من که بر توست، و سخنانی که در دهانت نهاده‌ام، از دهان تو، و از دهان نسل تو، و از دهان نسل نسل تو، از این پس و تا ابد دور نخواهد شد، خداوند می‌گوید. برخیز، بدرخش؛ زیرا نور تو آمده است، و جلال خداوند بر تو طلوع کرده است. زیرا اینک، تاریکی زمین را خواهد پوشاند و ظلمت غلیظ مردمان را؛ اما خداوند بر تو طلوع خواهد کرد و جلال او بر تو دیده خواهد شد. و امت‌ها به نور تو خواهند آمد، و پادشاهان به درخشندگی طلوع تو. اشعیا ۱۸:۵۹-۶۰:۳.

غیریهودیان زمانی به سوی نور می‌آیند که جلال خدا بر قوم او باشد، و این زمانی رخ می‌دهد که دشمن چون سیل وارد شود. وقتی آن دشمن وارد می‌شود، خدا در برابر او پرچمی (بیرقی) برافراشته می‌کند. جلال خداوند که بر آن مردمانی است که غیریهودیان به سوی آنان روی می‌آورند، سیرت اوست، و سیرت او گناه نمی‌کند. پیامی دروغین «صلح و امنیت» تعلیم می‌دهد که مردان و زنان نمی‌توانند بر گناه غلبه کنند. آن پیام، پیام دروغین باران آخر است که در زمان پیام حقیقی باران آخر اعلام می‌شود؛ پیامی که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فرا رسید. آن پیام کاذب، پیامی دروغین درباره شریعت خداست، که «دیوار» است. آن تعلیم باطل در کتاب «Doctrine on Doctrine» نمایان است، که نشانه فرارسیدن نسل چهارم و نهایی ادونتیسیم لائودیکایی بود.

در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، چهار شورش ادونتیسیم لاودیکه‌ای فرا رسیدند تا آن نسل نهایی را با گناهان پدرانشان بیازمایند. در آن تاریخ خدا قوم خود را هدایت کرد تا به راه‌های قدیم ارمیا بازگردند تا پیام بنیادینی را که به صورت «جواهرات میلر» معرفی شده بود، بفهمند و بپذیرند. اگر چنین می‌کردند، باران پسین را می‌یافتند؛ همان را که ارمیا «آرامی» می‌نامید. فراخوان به بازگشت به راه‌های قدیم، تکرار آزمونی بود که به شورش ۱۸۶۳ انجامید.

در یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، که اشعیا از آن با عنوان «روز باد شرقی و تند» یاد می‌کند، «سرود تاکستان» می‌بایست توسط کسانی خوانده می‌شد که در مکاشفه، باب چهارده، آیه ۳ و نیز در باب پانزده، آیه ۳ سرود موسی و بره را می‌خوانند. آن سرود همان پیام لائودیکه است که نشان می‌دهد قوم برگزیده پیشین در آن زمان کنار گذاشته می‌شدند، زیرا خدا در آن هنگام در صدد بود تاکستان خود را به مردان و زنانی بسپارد که میوه‌های مقصود تاکستان را به بار آورند. آن پیام تاکستان همان پیام خطاب به لائودیکه است که همان پیامی بود که جونز و واگنر در شورش ۱۸۸۸ ارائه کردند.

در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، باران پسین آغاز شد و مجادله باب دوم حبقوق، گروهی را معرفی می‌کند که پیام دو لوح را ارائه کردند، زیرا آنان به راه‌های کهنه ارمیا بازگشته بودند و "آرامی و تجدید قوا" را دریافت می‌کردند؛ همان‌که اشعیا بیان می‌کند بر کسانی نازل می‌شود که روش‌شان "خط بر خط" است. مجادله‌ای که در آن درگیر بودند، در مخالفت با پیامی کاذب درباره باران پسین بود که با "زنانی که برای تموز می‌گریستند" نمایانده می‌شد و مردم خفته لاودیکه را با پیام صلح و امنیت دلگرم می‌کرد.

پیام «صلح و امنیت» ادعا می‌کند که برای مردان و زنان ناممکن است گناه نکنند، و بنابراین خدا فقط می‌تواند و می‌خواهد ایشان را «در» گناهان‌شان عادل بشمارد. مردان استهزاگر مدعی‌اند که پیام صلح و امنیت آنان همان پیام حقیقی عادل‌شمردگی از راه ایمان است که جونز و واگنر ارائه کردند، اما این پیام حقیقت را نادیده می‌گیرد که هر که را خدا عادل بشمارد، او را نیز تقدیس می‌کند؛ زیرا خدا نمرت تا مردم را در گناهان‌شان نجات دهد، بلکه تا آنان را از گناهان‌شان نجات دهد.

۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز دورهٔ مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار نفر را رقم زد؛ دوره‌ای که با دریافت مهر خدا از سوی یک گروه به پایان می‌رسد، همان کسانی که برای رجاسات در کلیسا و در سرزمین آه می‌کشند و می‌گیرند، و گروه دیگری که به معبد پشت کرده‌اند، جایی که کار نهایی فرشته سوم در حال انجام است، و آنان در برابر خورشید سجده می‌کنند. تاریخ پیروان میلر تاریخ جنبش فرشته سوم را به تصویر می‌کشد و بدین‌سان اوج ماجرا دربارهٔ پیام باران آخر و تجربه‌ای است که در کسانی که انتخاب می‌کنند بخورند پدید می‌آید.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

بی‌میلی برای کنار گذاشتن دیدگاه‌های از پیش شکل‌گرفته و پذیرش این حقیقت، در بنیاد بخش عمده‌ای از مخالفتی قرار داشت که در مینی‌سوپولیس در برابر پیام خداوند به‌وسیلهٔ برادران واگنر و جونز ظاهر شد. با برانگیختن آن مخالفت، شیطان تا حد زیادی موفق شد قدرت ویژه روح‌القدس را که خدا مشتاق بود به آنان ببخشد، از قوم ما دور نگه دارد. دشمن مانع شد که آنان به آن کارایی‌ای دست یابند که می‌توانست در رساندن حقیقت به جهان از آن ایشان باشد، چنان‌که رسولان پس از روز پنتیکاست آن را اعلام کردند. نوری که باید با جلال خود تمام زمین را روشن سازد، با مقاومت روبه‌رو شد و به سبب عمل خود برادران ما تا حد زیادی از جهان دور نگه داشته شده است. پیام‌های برگزیده، جلد ۱، ص ۲۳۵.